

# گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرخس: زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود ایبسلار ● پژوهش درجه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خاقد مطلق ● مهرهای نسخه خطی المشیخه / عبداللین شیخ‌المکملی ● نوبته‌هایی از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میونس ● منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گمنامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم / علی صفی آقانه ● نگاهی به فرهنگ‌های حلبی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ● تصحیحی دیگر از نزهة العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاسلی ● صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی‌وار / مه‌الدین خوانساری ● نقدی بر تصحیح زادالمسافر / مسعود راستی‌پور ● نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / برنوس میوسوی ● رفع چند سوء تفاهم درباره سبغی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و رسائل المشتاق / مایرون نیگری ● ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ● گزارش از یک انتقال دانشگاهی (مرج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌های و کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهور واحدوست ● ایران در متون و منابع عثمانی (۲۲): چلبی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ● از لایبزیگ تا بابل: مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسباخ، پژوهشگر حوزه مطالعات میخی / سهیل دلشاد ● درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایبانی ● یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حدیدی‌زادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۹۰ - ۹۱

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح  
متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی  
دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم  
بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: یکی از نگاره‌های شاهنامه قرچغای  
خان، به نستعلیق ممتاز محمدتکین الحسینی، مورخ  
۱۰۵۸ق (انگلستان، Windsor Castle, Royal Library  
(No. RCIN1005014

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## فهرست

### سرخرن

زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود امیدسالار ..... ۳-۶

### جستار

پژوهش در جبهه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خالقی مطلق ..... ۷-۲۹  
مهرهای نسخه خطی المشیخه / عمادالدین شیخ‌الحکمایی ..... ۳۰-۳۲  
نویافته‌هایی از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میرشمسی ..... ۳۳-۵۵  
منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گمنامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم /  
علی صفری آقلعه ..... ۵۶-۶۳  
نگاهی به فرهنگ‌های حلیمی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ..... ۶۴-۷۶  
تصحیحی دیگر از زهرا العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاملی ..... ۷۷-۸۷

### نقد و بررسی

صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی وار / مجدالدین کیوانی ..... ۸۸-۱۰۲  
نقدی بر تصحیح زاد‌المسافر / مسعود راستی‌پور ..... ۱۰۳-۱۲۹  
نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / مرتضی موسوی ..... ۱۳۰-۱۳۵  
رفع چند سوء تفاهم درباره سیفی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و  
وسائل المشتاق / همایون شیکری ..... ۱۳۶-۱۴۰

### پژوهش‌های وابسته

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ..... ۱۴۱-۱۴۴  
گزارشی از یک انتقال دانشگاهی (مزج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌ای و  
کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهوش واحد دوست ..... ۱۴۵-۱۵۶

### ایران در متون و منابع عثمانی (۳)

چلبلی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ..... ۱۵۷-۱۵۹

### آشنایی با نشرشاهان و متن‌شوهان (۵)

از لایبزیگ تا بابل؛ مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسباخ پژوهشگر حوزه مطالعات میخی /  
سهیل دلشاد ..... ۱۶۰-۱۶۶

### درباره نوشته‌های پیشین

درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایمانی ..... ۱۶۷  
یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حیدری‌زادی ..... ۱۶۸-۱۶۹



## نگاهی به فرهنگ‌های حلیمی (بررسی ویژگی‌های زبانی)

میلاد بیگلر

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی  
bigdeloo.milad@gmail.com

### مقدمه

یکی از گنجینه‌های ارزشمند زبان فارسی همانا فرهنگ‌های کهن است. با بررسی این فرهنگ‌ها می‌توان واژه‌های نایاب و اندکیابی را جست و به معنای درست آن‌ها دست یافت و به چگونگی کاربرد این زبان در زمان‌ها مختلف و بخش‌های گوناگون قلمرو زبان فارسی رسید. فرهنگ‌های لطف‌الله حلیمی از این‌گونه نوشته‌ها است که ویژگی‌های لغوی و آوایی ارزشمندی در آن‌ها به چشم می‌خورد. از آن‌جا که هیچ یک از فرهنگ‌های حلیمی تا کنون به گونه انتقادی به چاپ نرسیده‌است، نگارنده بر آن شد تا با بررسی این دسته از نوشته‌های او، برخی ویژگی‌های زبانی نوشته‌های او را گرد آورد.

لطف‌الله حلیمی، پسر یوسف<sup>۱</sup> (؟-۹۲۲/۹۰۰ق)<sup>۲</sup> از فرهنگ‌نویسان و سخن‌پردازان سده نهم هجری است. او فردی ایرانی تبار بود که «باموزگاری شاهزادگان عثمانی در استانبول زندگی می‌گذرانید» (منزوی، ۱۳۳۷: ۲۰۱) و نزد پادشاهان عثمانی، سلطان محمد خان فاتح، ابونصر سلطان بایزید دوم، و سلطان سلیم خان یلوز، شکوه و اعتبار داشت (ذاکرالحسینی، ۱۳۸۳: ۶). از قابل‌توجه‌ترین کارهای او

۱. نام پدر او در برخی از دستنویس‌های در دسترس از کتاب‌های او به گونه «ابویوسف» نیز ضبط شده‌است (ذاکرالحسینی، ۱۳۸۳: ۵).  
۲. سال‌مرگ او را در نوشته‌ها «۹۰۰»، «۹۲۲»، «۹۲۳» و «۹۲۸» هجری دانسته‌اند که از این میان، «قول بغدادی که مرگ حلیمی را در ۹۲۲ نوشته درست به نظر می‌رسد» (ذاکرالحسینی، ۱۳۸۳: ۸).

فراهم‌آوری «واژه‌نامه‌ها و آثاری در حوزه دانش‌های ادبی» است که با این کار، در «گسترش روزافزون زبان و ادب پارسی در قلمرو عثمانی... تأثیر بسیار» داشته‌است (بنزاده اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۱۷).

حلیمی، چند نوشته از خود بر جای گذاشته‌است که عبارتند از:

- فرهنگ‌های او:

۱. بحر الغرائب (فرهنگ منظوم فارسی به ترکی).
۲. قائمه (شرح ترکی بحر الغرائب).
۳. نثار الملک (فرهنگ فارسی به ترکی).
۴. مصرحة الاسماء (فرهنگ عربی به فارسی).

- نوشته‌هایی در موضوع‌های دیگر:

۱. فرائض حلیمی (نوشته‌ای به زبان عربی در شرح و توضیح نام‌ها و اوصاف خدا)
۲. شرح فرائض
۳. قصیده تائیه (قصیده‌ای به زبان عربی)
۴. گلشن زیبا (منظومه‌ای در پزشکی به زبان فارسی)
۵. ترجمه فارسی قرآن
۶. حاشیه الحلیمی علی الخیالی
۷. مرآة الطیبین (به فارسی، درباره توبه)
۸. رساله فی بیان قواعد المعماء (به ترکی)
۹. رساله فی التجنیسات والتشبیهاث والمجازات (به ترکی)

(منزوی، ۱۳۳۷: ۲۰۲؛ بنزاده اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۱۷؛ کاتبی، ۱۳۹۳: ج ۱۴: ۶۴۸۹)

افزون بر این‌ها، ذاکر الحسینی (۱۳۸۳: ۲۸) از ترجمه او از مثنوی معنوی به ترکی نیز یاد می‌کند که دستنویسی از آن در «کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود».

حلیمی کتاب نثار الملک را در سال ۸۷۲ هجری قمری برای سلطان بایزید بن محمد، پادشاه عثمانی (۸۸۶ تا ۹۱۸ق) و در دوره ولی‌عهدی او نوشته‌است و در آن واژه‌های فارسی را با شرح فارسی آورده‌است (دبیرسیاقی، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

دستنویسی از این کتاب در کتابخانه لغت‌نامه دهخدا در ۱۴۵ صفحه موجود است (همانجا) که در دو بخش، بخش نخست «در اسماء دری» و بخش دوم در «قواعد دستوری»

«السامی فی الاسامی» و برخی نوشته‌های دیگر نیز بهره برده‌است (همان: ۱۱-۱۲).

در ادامه، برخی از واژه‌ها و ترکیب‌های کم‌یاب این فرهنگ، و مصرع‌هایی که این واژه‌ها و ترکیب‌ها در آن‌ها به کار رفته، آورده می‌شود:

### ۱.۱. ویژگی‌های لغوی

#### ۱.۱.۱. بخش اسامی

آشتابه (گلخن) ..... گُولجن دند آشتابه صِرت اُوج (ص ۱۵)  
آخیز (مهره دیوار) ..... آخیز مهره دیوار آگاهدُر خَبَر دار (ص ۸)  
آزفنداک (رنگین کمان) ... آزنفاک اینکم سَغمال و اَوخ در ای وای (ص ۲۰)

آرَخ (زگیل) ..... گلد آرَخ سِکِل آروغ گَگِرْمَک فُغ بُت (ص ۳۲)  
آسَغه (نیم سوز، نیم سوخته) .. همچو آسَغه نیم سُوخت اُکُتُو (ص ۲۷)  
اُخْکُوچه (دکمه) ..... اُخْکُوژَنه اُخْکُوچه اِلْک اُنْگَله دُکمه (ص ۴۲)  
اَلْجَخت<sup>۵</sup> (طمع) .... هَمْلخت درر پینه و اَلْجَخت طمع در (ص ۴۴)  
اولوش (بهره) ..... اولوش در قسط و بهره زون هم رون (ص ۱۵)  
بادپیچ (بازیچ) ..... چملول بادپیچ و زَرْمورخ در صَلِنَجَق (ص ۷)  
باران گریز (خیمه‌ای که هنگام باران به زیر آن روند تا از باران مصون بمانند) ..... باران گریز اَلْجُوق باسره اَکینْگ (ص ۱۲)  
باسره (کشتزار) ..... باران گریز اَلْجُوق هم باسره اَکینْگ (ص ۱۲)  
بافدم (عاقبت، انجام) ..... بافدم عاقبت جو بیکاه اَیر (ص ۵۳)  
بَخنوه (تندر) ..... بَخنوه بیئر یلْدیرم آدی (ص ۲۵)  
بدپشت (ویژگی ستور و حشی و توسن) ..... چو بَدِدل قُورَخَق و بدپشت توصون (ص ۱۶)

بُرْغول (آشی که از گندم و جو سازند) ..... بُرْغول بُلْغَر آدی پالوش کُوت کافور (ص ۷)

بَرْفُرود (بالا و پایین، مجازاً اختلاف) ..... بَرْفُرود آشغه یُوخارو بیابان بیان (ص ۳۳)

بندینه (دکمه) ..... چو پوشش اورتو و بندینه دُکمه (ص ۱۸)  
پاغنده (پنبه حلاجی کرده) ... چو پاغنده اَتَلکش پاموق آدی (ص ۱۶)

۵. در لغت‌نامه باج و چ، هر دو، ضبط شده‌است.

ترتیب داده شده‌است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۲: ۳۹). نگارنده نتوانست به این دستنویس دست یابد، بنابراین، در این نوشته، به فرهنگ‌های او، یعنی بحر الغرائب، شرح بحر الغرائب و مصرحة الأسماء خواهد پرداخت.

### ۱. بحر الغرائب

حلیمی در مقدمه خود بر بحر الغرائب<sup>۳</sup>، پس از ستایش خداوند و درود بر پیغامبر، هدف خود را چنین شرح داده‌است که آموختن دانش و فرهنگ در بایست است، ولی آموختن و آموزانیدن جز با «تمکین الفاظ و مقال» (ص ۱) شدنی نیست؛ بنابراین، بایسته است که هر دانش‌آموزنده‌ای نخست به آموختن واژه‌ها بپردازد. سبب ساختن این کتاب و پرداختن به واژه‌های فارسی نزد او این بوده که واژه‌های فارسی نمکین است و «نازکی» (ص ۲) فارسی نه بریسته، که بر رسته و «ذاتی» (ص ۲) است، و دیگر این که این زبان شایسته دیوان و دربار است و از همین روی است که آن را «دری» می‌نامند. پس از نگریستن و تصفح دیوان‌های بزرگان و پرداختن به «نقل کُتب»، بر آن شده‌است تا این کتاب را در قالب نظم فراهم آورد و به بایزید بن<sup>۴</sup> محمد خان تقدیم کند.

ساختار این کتاب چنین است که پس از مقدمه، در قسم نخست، به اسامی و در قسم دیگر به مصادر پرداخته شده‌است. فصلی نیز به «برخی اصطلاحات و قوانین» مانند «اسامی ماه‌های فرس»، «بیان روش خورشید به برج‌های فلکی» و «بیان ضابطه غره» اختصاص داده شده‌است (ذاکر الحسینی، ۱۳۸۳: ۹-۱۰). در بخش پایانی نیز در فصلی جداگانه (ص ۱۴۳-۱۴۵) و در حکم بررسی مقابله‌ای، به صرف افعال در زمان‌های ماضی و مضارع زبان فارسی در وجه‌های گوناگون و آوردن برابر ترکی آن‌ها پرداخته شده‌است. حلیمی در نوشتن این فرهنگ از چند فرهنگ از جمله «معیار جمالی»، «صحاح الفرس... یا صحاح العجم»، «رساله حکیم قطران تبریزی»،

۳. همه ارجاع‌های این بخش به نسخه دیجیتال دستنویس این کتاب است. برای مشخصات کتاب‌شناختی آن، نک. حلیمی، بحر الغرائب، مجلس. به‌گفته ذاکر الحسینی (۱۳۸۳: ۱۳)، این دستنویس منحصر به فرد و بی‌گمان «نسخه دستخط مؤلف» است.

۴. اصل: ابن.

دوژه (گونه‌ای خار که به جامه آویزد) ..... دوشیره در قیزاغلان هم  
دوژه دندِ بُترق (ص ۱۳)

دیوپای (عنکبوت) ... هم پیودر گوپه اورمچک تننده دیوپای (ص ۲۲)

رخش (رنگین کمان) ..... نوسه و رخش اینکم سغمال (ص ۲۷)

ریشیده (پرنیان منقش) .. ریشیده سچق در که ادرلر آن گوز گوز (ص ۴۲)

ریکاشه (خارپشت، جوجه تیغی) ... ریکاشه خارپشت و ریکاسه

کلدِ کرپی (ص ۹)

ریکاسه (خارپشت، جوجه تیغی) ... ریگاشه خارپشت و ریکاسه

کلدِ کرپی (ص ۹)

زرموره (بازیچ) ..... چملول بادپیچ و زرمورخ در صلنجق (ص ۷)

سگلابی/سگابی (سگ آبی) ..... سگلابی و سگابی قندز سفال

سقسسی (ص ۶)

سیرو (خارپشت) ..... صرِمسق سیر و کروی در سیرو (ص ۲۸)

شندف (تبیره) ..... شندف و هم دهل تبیره طؤل (ص ۲۶)

غژم (دانه انگور) ..... غژم ازم دانسی و غرم ایزق (ص ۵۳)

غلیپکین<sup>۹</sup> (در مشبک) ..... غلیپکین پنجره صفتلو قپو (ص ۲۹)

غلفج<sup>۱۰</sup> (زنبور سرخ)<sup>۱۱</sup> ... غلفج آرو و غولین خمیره کبجک (ص ۶۱)

فرخسته (برزمین کشیده شده) ... دندِ فرخسته آنکاکیم اوله پر ازره

کشان (ص ۳۴)

فاجام (خرمایی که بر درخت باقی مانده باشد) ..... فاجام آغجده

قالن خرما و استمک فاژ (ص ۱۲)

فرارون (ستارگان خرد که در پی یکدیگر آمده) .... سچلمش خرده

یلدذر فرارون (ص ۱۸)

فراشا<sup>۱۲</sup> (قشعریره، لرز) .... فراشا سلکینوب اورپر مکچون (ص ۱۴)

فرخشه (قطایف، نانی که از نشاسته و لوزینه پزند) .... هم فرخشه

قطایف آدی سپوسه قونق (ص ۹)

۹. در لغت‌نامه به گونه‌های «غلبکن» و «غلبکین» ضبط شده است. در شرح

بحر الغرائب (نسخه ۱۱۲۰۳) به نادرست به گونه «غلبکین» و «غلبکین»

(ص ۶۳) نوشته شده است.

۱۰. در لغت‌نامه به گونه «فلفج» و «غلفج» ضبط شده است.

۱۱. در بحر الغرائب به مطلق «زنبور» معنا شده، ولی در شرح بحر الغرائب

(نسخه شماره ۱۲۹۱۲) به درستی «صاری اری [= زنبور سرخ]» (ص ۶۸)

دانسته شده است.

۱۲. در لغت‌نامه به زبر ف ضبط شده است.

پامس (بیچاره، درمانده) ... بیچاره آد پامس بیدار در ایانوق (ص ۸)

پرمخیده (مخالف)<sup>۶</sup> ..... چوپرمخیده مخالف چوبرش چوق و

بیک (ص ۶۴)

پرواس (لمس کردن، برمجیدن) ..... سک ایت سمند اکرآت پرواس

آل یقامق (ص ۶)

پشتمهره (مهره پشت، مهره‌ای از ستون فقرات) ..... پشتمهره مهره

پشت اولد اوگر غاسوککی (ص ۲۲)

پوپو (هدهد) ..... بوم بیغوش ابوک کلور پوپو (ص ۲۶)

پیش کاره (قابله) ..... ماما در پیش یار و پیش کاره (ص ۱۶)

پیلور (خرده فروش) .... پیلور چرخچی و رهبر قولوز اقدر بکان (ص ۲۰)

تباه و تبست (تباه) ..... چون تباه و تبست هیچ دور (ص ۲۹)

جاف جاف (فاحشه) ..... جاف جاف اولد فاحشه آدی (ص ۲۷)

جومرد (جوانمرد) ... جوشن جبه جوانمرد بیکت کشی و جومرد (ص ۹)

چغزابه (سبزی ایستاده بر روی آب) .... چغزابه چغزواره دی قریغا

یصونی (ص ۱۰)

چغزواره (سبزی بالای آب ایستاده) ..... چغزابه چغزواره دی قریغا

یصونی (ص ۱۰)

چملول (بازیچ) ..... چملول بادپیچ و زرمورخ در صلنجق (ص ۷)

خداخوان (انگشت ~) (انگشت شهادت، سبابه) .... چون خداوند

اس خداخوان در شهادت برمقی (ص ۱۹)

خراوش (غوغا) ..... خلالوش و خراوش اولد غوغا (ص ۱۵)

خستر<sup>۷</sup> (حشرات الارض، حشرات موزی) ..... خستر ایدلیر کی

حشرات (ص ۵۲)

خلالوش (غوغا) ..... خلالوش و خراوش اولد غوغا (ص ۱۵)

ورسیچ (سقف) ..... ورسیچ و آسمانه هم سقف در اوستق (ص ۵)

درغاله (در بند، سد) ... جولاله پرزونک و درغاله اولد در بند (ص ۵)

دنکل<sup>۸</sup> (ابله) ..... سخیف و دنکل و کالیو در بون (ص ۱۶)

۶. در شرح بحر الغرائب (نسخه شماره ۱۲۹۱۲) «بزمخیدن» «مخالف و عاق اولمش

[مخالف و عاق شده]» (ص ۱۷) معنا شده و نادرست است. «برمخیدن» خود

مصدر و معنای درست آن «مخالفت کردن و عاق شدن» است.

۷. این واژه در لغت‌نامه دهخدا به زبر ت ضبط شده است. تلفظ «خستر» دو

بار در السامی فی الاسامی (میدانی، ۱۳۴۵: ۳۴۶) آمده است.

۸. در لغت‌نامه با گاف ضبط شده است.

ژولیدن آشفته‌شدنِ موی ..... سج بُرمق دنه ژولیدن هم  
کالیدن (ص ۱۳۲)

فرخمیدن (حلاجی کردن، دانه از پنبه جداکردن) ... فرخمیدن پموق  
چقرمق در (ص ۱۳۶)

مخیدن جنبیدن، حرکت کردن ..... چو مخیدن حرکت اتمک و  
خوانندن اقمق (ص ۱۳۳)

در شعر او، یعنی بخش‌های غیر لغوی، نیز دو ترکیب یافته  
شد که تازه می‌نماید:

زنبورگز (گزنده همچو زنبور، (مجازاً، در مورد شخص) آزارنده)

سگ‌امتحان<sup>۱۷</sup> (جست‌وجوکننده همچو سگ، (مجازاً) خرده‌گیر)

زنبورگز و سگ‌امتحانند

چون موش مضرّ و مُفسدانند

(ص ۱۴۶)

چنان‌که ذاکر الحسینی (۱۳۸۴: ۷۱۶) اشاره کرده، مصادر این  
کتاب بیش‌تر «جعلی» است و تنها در برخی فرهنگ‌های  
لغت (متأخر) بدون شاهد آمده‌است؛ از این روی، به همین  
شمار اندک بسنده کرده‌شد.

## ۲.۱. ویژگی‌های آوایی

### ۱. ۲.۱. تلفظ‌های خاص

اُخکوژنه ..... ص ۴۲	سُترگ ..... ص ۱۶
ایزد ..... ص ۵	سَنب ..... ص ۶
بیهده ..... ص ۳۹	فُراشا ..... ص ۱۴
پَدر ..... ص ۱۵	کالَبد ..... ص ۸۱
پُرمخیده ..... ص ۶۴	گُدیور ..... ص ۱۹
پُژوه (خَیبر~) ..... ص ۹۷	گِریز ..... ص ۸۰
تُندور ..... ص ۹۱	گِریغ ..... ص ۸۰
خَریدار ..... ص ۹۴	گُیستن <sup>۱۸</sup> ..... ص ۱۳۰
خَسُتر ..... ص ۵۲	لشکر پُژوه ..... ص ۹۷
خُیبر ..... ص ۶۱	مِهْرُبان <sup>۱۹</sup> ..... ص ۳۶
دوانزده ..... ص ۴۳	هَوَیدا ..... ص ۱۸

۱۷. در اصل: سگ‌امتحانند.

۱۸. در اصل: گُیستن.

۱۹. در شرح بحر الغرائب (۹۴ر) نیز چنین است.

فَرغُول (تاخیر در کار) .. چو فَرغُول ایش تاخیر ایلَمک در (ص ۱۷)

فرهست (سِحْر) ..... سِحْر فرهست و فرهمند اُصلو (ص ۲۸)

فَلُخ (آغاز، اوّل) ..... فِیال و فُلُخ اوّل فُنُج خاتون (ص ۱۴)

فِیال (آغاز، اوّل) ..... فِیال و فُلُخ اوّل فُنُج خاتون (ص ۱۴)

کالوج (انگشت کوچک) ..... انگشتی یوز کُدُر کالوج

سرچه بُرمق (ص ۵)

کَبْت (زنبور) ..... کَبْت و زنبور و اَنگ و مُنج آرو (ص ۲۵)

گَرداگردان<sup>۱۳</sup> (چرخان، دوار) ..... کَفجلیز این بَلقی دُونجی

گَرداگردان (ص ۳۱)

گَلوُنْد (سفته) ..... گَلوُنْد سفته در لرگوندردکونک کِشیلِک (ص ۷)

گُمیژه (آمیزه) ..... دی گُمیژه قَریشق اوت کِیر آت (ص ۲۶)

لُنْگاک (سخن ناخوش و درشت) ..... لُنْگاک یارمز سوز لَشْن و

لَشْن طَینَجق (ص ۱۰)

نِگَنده (بخیه) ..... نِگَنده بخیه ارتوق بیش و افزون (ص ۱۸)

نوسه (رنگین کمان) ..... نوسه و رخس اینکم سَعمال (ص ۲۷)

نوف (پژواک) ..... نوف در طاغذن گَلن نیقو (ص ۲۹)

نَوُنده (زیرک) ..... نَوُنده زیرک آدی نحس وارون (ص ۱۸)

یغتنج (نوعی مار)<sup>۱۴</sup> ..... آکنج در سجوق و یغتنج اَنکر کُدُر (ص ۸)

## ۱. ۲.۱. بخشِ مصادر

بیخستن<sup>۱۵</sup> در مانده‌کردن ..... چو بیخستن درر یورمق چویلی آمدن

اینمک (ص ۱۲۹)

پخسیدن پز مردن از اندوه ..... شمیدن شیون اتمک در طرلغمق دی

پخسیدن (ص ۱۲۸)

ریهیدن (فروریختن)<sup>۱۶</sup> ..... چو یومشق طبرق آشایه اخمق دند

ریهیدن (ص ۱۲۸)

۱۳. «گردگردان» در لغت‌نامه دهخدا با چندین گواه از جمله از فردوسی و ناصر خسرو و اسدی آمده، ولی «گرداگردان»، با بیانوند «-ا-»، ثبت نشده‌است.

۱۴. این توضیح به خطی دیگر در کنار مصرع نوشته شده‌است.

۱۵. این مصدر، به‌گمان، از \*pati-xasta فارسی باستان است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۷۶۵/۲). بنابراین، با واج /p/ آغاز می‌شود، نه /b/.

۱۶. معنای واژه‌به‌واژه برابر ترکی «ریخته‌شدن/ لغزیدن خاکِ نرم [از بالا] به پایین» است.

## ۱. ۲. ۲. ۱. دگرگشتگی

- [š] ← [s] ..... باشگونه ← پاسگونه<sup>۲۰</sup> ..... ص ۸۶
- [ž] ← [z] ..... گزند ← گژند ..... ص ۳۱
- گزدم ← گژدم ..... ص ۳۱
- زغال ← ژغال ..... ص ۵۶
- [č] ← [j] ..... جشن ← چشن ..... ص ۵۷
- جوالدوز ← چوالدوز ..... ص ۴۶
- [g] ← [k] ..... کدیور ← گدیور ..... ص ۱۹
۱. ۲. ۳. تشدید
- سپاس ← سپاسه ..... ص ۵۲
- پنهان ← پنهان ..... ص ۳۸
- گرسنه ← گرسنه<sup>۲۱</sup> ..... ص ۱۷
- جهان ← جهان ..... ص ۳۹
۱. ۲. ۴. تخفیف
- شیپور ← شیپور<sup>۲۲</sup> ..... ص ۲۳
۱. ۲. ۵. اضافه
- [h] + ..... شنا ← شنا ..... ص ۹۰
- [w] + ..... شنا ← شنا ..... ص ۱۳۴
- [ī] + ..... دانژه ← دانژه ..... ص ۸۷
۱. ۲. ۶. حذف
- [t] - ..... پشمازو ← پشمازو ..... ص ۲۲
۲۰. در اصل: پاسگونه.
۲۱. اصل: کرسنه.
۲۲. «شیپور»، بدین‌گونه، دو بار در ترجمه و قصه‌های قرآن (۱۳۳۸: ۲۱۹، ۷۵۵) به کار رفته‌است.
۱. ۲. ۷. برخی صورت‌های پهلوی
- آغیشتن (ص ۱۳۴) ..... قس. āgištak (آغشته)
- (فره‌وشی، ۱۳۸۲: ۱۱)
- توانا (ص ۲۱) ..... (MACKENZIE, 1986: 84) tuwānāg
- توانگر (ص ۲۱) ..... (Ibid) tuwāngar
- جوان (ص ۱۵) - جوانمرد (ص ۱۷) ..... قس. (Ibid: 47) juwān
- گیازار<sup>۲۳</sup> (ص ۱۸) ..... قس. (Ibid: 36) giyā(h)
- هیشتن (ص ۱۳۲) ..... (Ibid: 44) hištan
۲. شرح بحر الغرائب (قائمه)<sup>۲۴</sup>
- این کتاب را حلیمی، خود، پس از کتاب بحر الغرائب و به درخواست دیگران نوشته‌است. او این شرح را به «دو دفتر» (۲) بخش کرده‌است: دفتر نخست «در بیان لغات» که در آن، واژه‌ها به ترتیب الفبا سامان داده شده‌است؛ دفتر دوم نیز، به‌گمان، درباره‌ی عروض و قافیه یا «برخی اصطلاحات و قواعد» (ذاکرا الحسینی، ۱۳۸۳: ۲۳) است (که در دستنویس در دسترس از دفتر دوم موجود نیست). از آن‌جا که حلیمی در کتاب نثار الملک، که در ۸۷۲ قمری نوشته‌است، از «بحر الغرائب و شرح آن» نام می‌برد، آشکار می‌شود که «تاریخ تألیف شرح بحر الغرائب، یعنی قائمه»، مقدم بر سال ۸۷۲» است (دبیرسیاقی، ۱۳۷۵: ۲۶۸).
- منابع حلیمی در نوشتن این کتاب (و بنابراین بحر الغرائب)، آن‌گونه که خود در جای‌جای کتاب اشاره کرده، از این قرار است: اسدی طوسی (ص ۱۷ پ، ۱۹ ر، ۱۹ پ)، بنداد حطری (۱۵ ر)، حکیم قطران بن ارموی<sup>۲۵</sup> (۱۷ پ)، ذخیره خوارزمشاهی<sup>۲۶</sup> اسماعیل جرجانی (۴۵ ر)، صحاح الفرس هندوشاه نخجوانی (۸۹ پ، ۱۷ پ، ۱۹ پ)، معیار جمالی شمس فخری (۸۹ پ، ۱۷ پ، ۱۹ ر)، و برخی «کتاب‌های طبّی» (۴۶ ر، ۴۷ پ) که نام آن‌ها را ننوشته‌است.
۲۳. در اصل: کیازار.
۲۴. در منابع گوناگون، از این نوشته با عناوین «شرح بحر الغرائب»، «رساله قاسمیه»، «قائمه»، «لغت حلیمی»، «لغات حلیمی» و «فرهنگ حلیمی» یاد شده‌است (ذاکرا الحسینی، ۱۳۸۳: ۱۹). در این جستار از نسخه ۱۱۲۰۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مورخ ۹۷۲ ق) بهره برده‌ایم. برای فهرست دستنویس‌های یافته‌شده از این کتاب، نک. همان: ۲۳-۲۶.
۲۵. در اصل: قطربانی و ارموی.
۲۶. در اصل: ذخیره حوزمشاهی.



عسجدی (۱) ..... ۱۰۲ ر  
 فردوسی (۱) ..... ۲۴ ر  
 کمال اصفهانی (۸) ..... ۲۴ پ، ۳۳ پ، ۸۳ پ، ۱۰۱ ر، ۱۰۲ پ  
 کمال خجندی (۲) ..... ۲۴ ر، ۸۰ پ  
 لیبی (۱) ..... ۴۹ ر  
 لطیفی (۱۴) ..... ۲ پ، ۲۴ پ، ۴۱ پ، ۵۲ ر، ۵۹ ر، ۹۴ ر، ۱۰۰ پ، ۱۰۲ پ، ۱۰۳ پ

منجیک (۱) ..... ۴۳ پ  
 شیوه کار حلیمی در این کتاب چنین است که واژه‌ها را از منابع پیش‌گفته نقل می‌کند، ولی، در برخی مدخل‌ها، به سنجش ضبط خود و منابع دیگر نیز می‌پردازد؛ چنان‌که در ذیل «تخس» (= اندوه) می‌گوید: «این واژه را شمس فخری<sup>۲۹</sup> و اسدی طوسی<sup>۳۰</sup> با با، یعنی با یک نقطه، نقل کرده‌اند، اما هندوشاه در صحاح الفرس<sup>۳۱</sup> به تاء، یعنی با دو نقطه برزبر، تصحیح کرده‌بود؛ پس، از این روی، در این‌جا نیز مطابقت [با او] کرده‌شد» (۲۶ ر). یا در ذیل «خنج» نوشته‌است: «[این واژه] در روایت اسدی<sup>۳۲</sup> طوسی و هندوشاه نخجوانی به معنای منفعت و در روایت شمس فخری به معنای ناز و نعمت و عیش و عشرت و مطرب است» (۳۷ پ). نخست، باید گفت که مدخل «خنج» در معیار جمالی (فخری اصفهانی، ۱۳۳۷: ۵۵) نامشکول و در لغت فرس (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۵۵) و صحاح الفرس (نخجوانی، ۲۵۳۵: ۵۵) به زبر نخست است. معنای «ناز و طرب» در دستنویس «چ» (۱۸۹۷ م و اتیکان) و «ن» (۷۶۶ ق نخجوانی) لغت فرس نیامده‌است و در صحاح الفرس (نخجوانی، ۲۵۳۵: ۵۲) افزون بر این معنای، به «باطل» هم معنا شده‌است. پیدا است که حلیمی به دستنویس «چ» (۱۸۹۷ و اتیکان)، یا به نسخه‌ای که این نسخه از آن منشعب شده، و یا به نسخه‌ای دسترسی داشته که نسخه و اتیکان از آن

۲۹. بخس [...] به فرس پژمرده باشد از غم (فخری اصفهانی، ۱۳۳۷: ۱۹۰).

۳۰. بخس در فارسی فرو پژمردن بود از غم (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۹۳).

۳۱. تخس: بنای معجم در برخی نسخه‌ها تافتن دلست از غم (و سختی) و پخس (به) پی سه نقطه همین معنی دارد و مستشهد هر دو لغت بیت آغاجی است چنانکه در ذکر «پخس» آورده شد و فرق بیش ازین نیست که آنجا به پی است سه نقطه (و اینجا بتاء بد و نقطه) والله اعلم (نخجوانی، ۲۵۳۵: ۱۲۲).

۳۲. اصل: اسد.

به‌گمان، یکی از منابع او شاهنامه بوده‌است، زیرا بیتی از فردوسی را در ذیل یکی از واژه‌ها آورده‌است. افزون بر این، چنین می‌نماید که عبارت «دَارُویِ هُوشِ بَر» را نیز از شاهنامه گرفته‌باشد، در داستان بیژن و منیژه:

بفرمود تا داروی هوش‌بر  
 پرستنده آمیخت با نوش‌بر

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۳/۳۲۰)

در این کتاب، برای برخی از واژه‌ها گواهِ شعری نیز آورده شده‌است. در زیر، نام سراینندگان، شمار و نشانی این ابیات آمده‌است:

احمد کرمانی (۱) ..... ۷۴ ر  
 اسدی (۱۵) ..... ۲ ر، ۲۴ پ، ۳۴ ر، ۴۷ پ، ۵۹ ر، ۶۰ پ، ۶۵ ر، ۸۱ ر، ۸۲ پ، ۸۷ پ، ۹۱ پ، ۱۰۲ پ، ۱۰۲ پ  
 امیر معزی (۱) ..... ۴ ر  
 انوری (۴) ..... ۴ ر، ۴۵ پ  
 اورمزدی (۱) ..... ۵۰ پ  
 بی‌نام (۷)<sup>۲۹</sup> ..... ۲ پ، ۷ ر، ۴۰ پ، ۴۳ پ، ۷۸ پ، ۷۹ ر  
 بی‌نام (به ترکی) (۱) ..... ۴۰ پ  
 حافظ (۳) ..... ۲ پ، ۴۵ پ  
 خُرَر (۲) ..... ۱۰۲ ر  
 خواجه (۱) ..... ۲۴ ر  
 دقیقی (۱) ..... ۱۰۲ ر  
 رودکی<sup>۳۰</sup> (۴) ..... ۲ پ، ۳۰ ر، ۷۰ پ، ۱۰۲ پ  
 زینی (۱) ..... ۳ ر، ۶۳ ر  
 سعدی (۵) ..... ۲ ر، ۲۴ پ، ۳۴ پ، ۴۸ پ، ۹۲ ر  
 سنایی (۳) ..... ۱۰۲ ر، ۴۱ پ، ۵ ر  
 شاکری (۲) ..... ۲ پ، ۱۰۲ پ  
 شمس فخری (۲۳) ..... ۴ ر، ۳۵ پ، ۴۳ ر، ۴۶ پ، ۵۳ پ، ۶۳ ر، ۷۵ ر، ۷۷ پ، ۸۲ پ، ۸۴ پ، ۸۸ ر، ۸۹ ر، ۲۴ پ، ۳۵ پ، ۵۲ ر، ۷۰ پ، ۱۰۰ ر

۲۷. یک بیت دو بار آمده‌است.

۲۸. زهرا نصیری شیراز، نصرالله امامی و سجاد دهقان (۱۳۹۷)، مشترکاً در مقاله‌ای، این ابیات منسوب به رودکی را بررسی‌ده‌اند.



منشعب شده است. نسخه‌ای از صحاح الفرس که در دست داشته نیز تنها در بردارنده معنای «منفعت» بوده است. ناگفته نماند که معنای «مطرب» در فرهنگ معیار جمالی و در دیگر فرهنگ‌های در دسترس برای «خنج» یافته‌نشده.

حلیمی در برخی واژه‌ها، بر پیشینیان خود خرده می‌گیرد. برای نمونه، در ذیل «پویش»، «پویک»، «پویو» و «پویه»، درباره «بویه» می‌گوید که در معیار جمالی شمس فخری، «بویه» هم به معنای هُدهُد و هم در معنای «آرزومندی» آمده است، حال آن‌که «بویه»، با بای نخستین، است که به معنای «آرزومندی» است (گ ۲۰-۲۱). در چاپ کنونی معیار جمالی (فخری، ۱۳۳۷: ۴۰۵) نیز «بویه» به هر دو معنا آمده است. ضبط دستنویس‌های «ک» و «م» این تصحیح «پویه» است، که به گمان همان «بویه» است که نخستین واج آن بی‌واک شده است.<sup>۳۳</sup>

حلیمی همچنین گاه درباره ویژگی‌های زبانی، از جمله ویژگی‌های تلفظی، سخن گفته است. برای نمونه در ذیل «ترش» نوشته است: «اصل آن است که با دو پیش [= «تُرش»] تلفظ شود... و گاه بُود که از بهر تخفیف، با رای ساکن تلفظ شود» (۲۶ر).

از آن‌جا که این کتاب شرح بحر الغرائب است و زبان آن نیز ترکی است، ویژگی‌های لغوی آن همان‌ها است که در بخش کتاب بحر الغرائب آورده شد. با این حال، شمار واژه‌های مشکول در این دستنویس بسیار بیش‌تر از دستنویس بحر الغرائب است و این کار با دقت بیش‌تری در این دستنویس انجام شده است. از همین روی، تنها به بررسی ویژگی‌های آوایی این کتاب پرداخته می‌شود.

## ۲. ۱. ویژگی‌های آوایی

### ۲. ۱. ۱. برخی تلفظ‌های خاص

أَخْشَجُ<sup>۳۴</sup> ..... پ ۳

إِخْشِيجَان ..... پ ۳

أَذْر ..... ر ۴

أَرْدَبِهَشْت<sup>۳۵</sup> ..... ر ۷

۳۳. برای این واژه، همچنین نک. مینوی، ۱۳۳۵.

۳۴. در لغت‌نامه به گونه‌های «أخشیج» و «أخشیج» آمده است.

۳۵. اصل: آردبِهَشْت.

بُخْسْت کردن<sup>۳۷</sup> ..... پ ۱۵

بُرَادَز ..... پ ۱۶

بُر نِشِسْتَن ..... پ ۱۷

بُر هُون ..... ر ۱۸

بُرُول ..... پ ۱۸

بُرُول باز ..... پ ۱۸

بُرُولِیدَن ..... پ ۱۸

بُرُوهیدَن ..... پ ۱۸

بُرُوه (لشکر-) ..... پ ۸۹

بُرِه کار<sup>۳۸</sup> ..... پ ۱۸

بُسْغَدَه ..... ر ۱۹

بُسْندِیدَن ..... ر ۱۹

بُسُودَن ..... ر ۱۹

بُلِل<sup>۳۹</sup> ..... پ ۱۹

بُهار دُهَم ..... پ ۳۲

بُلنواز ..... پ ۴۲

بُویست ..... پ ۴۴

۲. ۱. ۲. واژه‌های میان‌هسته

آسْتَانَه ..... پ ۴

پُسْتَمَازَه ..... ر ۱۹

پُسْتُورَه ..... ر ۱۹

پَهَن ..... ر ۲۲

تَالُوَأَسَه ..... پ ۲۵

تِیرْدَان ..... ر ۲۹

۲. ۱. ۳. دگرگشتگی

[b] ← [p]<sup>۴۲</sup>

بستر ← پِستَر<sup>۴۳</sup> ..... ر ۱۹

۳۶. امروز نیز در برخی بخش‌های زنجان، «آواره» به گونه «اوارا/ OVAFA» به کار می‌رود.

۳۷. در لغت‌نامه به گونه‌های «بخست»، «بخست» و «بخست» ثبت شده است.

۳۸. اصل: بُزِه‌کاه.

۳۹. در ادامه گفته که فصیح آن است که به کسر نخست گفته شود.

۴۰. خود نوشته است: «به زیر شین در گفتار فصیحان و به زیر شین در زبان عامه رایج است».

۴۱. در اصل به کاف.

۴۲. لازار نیز نویسه‌هایی مانند [p̄šd] [\*bāšad] «پاشد [= باشد]» را در نوشته‌های فارسی نو متقدم (ENP) پرداخته رونویس‌گران ترک می‌داند (به نقل از Paul, 2013: 55)؛ نگارنده این کتاب را به فارسی برگردانده است و به زودی آن را به چاپ خواهد رساند.

سُپُرِی (۵۳پ) ..... قس. ṡpūrīk (همان: ۲۹۸)

### ۳. مصرحة الأسماء

حلیمی در این فرهنگ عربی-فارسی،<sup>۵۰</sup> اسم‌ها را به ترتیب حروف تهجی<sup>۵۱</sup> سامان داده‌است. پس از هر اسم، صورت جمع را نیز افزوده‌است، هرچند، به گفته خودش (۲)، آوردن آن‌ها «بایسته» نیست. حلیمی در مقدمه یاد کرده که در گردآوری این فرهنگ، از کتاب‌های زیر بهره برده‌است:

۱. «مقدمة الأدب» نوشته جارالله زمخشری؛

۲. «السامی» فی الأسامی، نوشته احمد بن محمد میدانی؛

۳. «تاج اللّغة» و «صحاح» العربية، نوشته اسماعیل بن حماد جوهری؛

۴. «جمهرة» اللّغة، نوشته ابن دُرَید؛

۵. «مُجمل» اللّغة، نوشته ابن فارس؛

۶. کتاب‌هایی دیگر (۲).

از جمله کتاب‌های دیگری که حلیمی در نوشتن این فرهنگ از آن‌ها بهره برده یکی گرشاسب‌نامه است. در برابر واژه «نسناس» آورده‌است:

دیو مردم؛ جنسی اند از خلق. بر یک پای می‌جهند. و اسدی گفت [...] نسناس [...] مخلوقیست درازبالا و پُرموی و کبودفام و سبزموی<sup>۵۲</sup> و در هر سوی از سر [و] روی چشم دارند و هر یک هم نر و هم ماده است. دو تن از ایشان یکی پیل را می‌گیرند و می‌خورند هنوز سیر نشوند. (۱۱۰)

این گزارش از چیستی و چگونگی نسناس را او از بخش «پاسخ‌دادن به مهرج را» در گرشاسب‌نامه آورده‌است:

۵۰. تمام ارجاع‌ها در این بخش به نسخه دیجیتال دستنویس‌های این کتاب است. نسخه‌های مورد مراجعه از این قرارند:

- دستنویس شماره ۱۳۸۲۴ کتابخانه مجلس، کتابت مولانا علی بن محمد بن مراد الادّیقی، مورخ ۸۸۸ق، ۱۷۸گ؛

- دستنویس شماره ۳۸۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کاتب نامعلوم، تاریخ کتابت نامعلوم، ۱۶۷گ.

برای فهرست دستنویس‌های یافته‌شده از این کتاب، نک. ذاکر الحسینی، ۱۳۸۳: ۲۸.

۵۱. در مقدمه (۲) اشاره کرده که «تاء التّائین و الواحده» را برای جدا کردن از تاء و هاء اصلی پیش‌تر آورده‌است.

۵۲. اصل: سرموی.

[z] ← [ž]

چوزه ← چُوژَه ..... ۳۲پ

پاوژاره ← پاوژاره ..... ۱۴پ

اویز ← اویژ ..... ۶پ

آمیزه ← آمیزَه ..... ۶ر

۲. ۱. ۴. تخفیف

[ē] ← [e]

بسترآهنگ ← پِستَرَاهَنگ<sup>۴۴</sup> ۱۹ر

بُت ← پُت ..... ۱۵

باسگونه ← پاسگونه<sup>۴۵</sup> .. ۱۳پ

باشگونه ← پاشگونه<sup>۴۶</sup> ..... ۱۴ر

بادبیزن ← بادبیزن ..... ۱۲ر

چابک ← چاپک ..... ۲۹ر

بسنده ← پِسنده<sup>۴۷</sup> ..... ۱۹ر

پیشوا ← پِشوا<sup>۴۸</sup> ..... ۲۳پ

۲. ۱. ۵. اضافه

[h] +

ناخدا ← ناخداَه ..... ۹۴پ

۲. ۱. ۶. برخی صورت‌های

پهلوی<sup>۴۹</sup>

پدیرای، پدیرفتار (۱۶ر) ..... قس. padiriftan

(MACKENZIE, 1986: 63)

خِشَم‌الْوُد (۳۶پ) ..... قس. xēšm (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۲۰۳)

تُوَان (۲۸پ) ..... tuwān (MACKENZIE, 1986: 84)

تُوَانَا (۲۸پ) ..... tuwānāg (Ibid)

جُوَان، جُوَانَمَرَد (۳۲پ) ..... juwān (Ibid: 47)

زُفَان (۵۰ر) ..... zufān (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۲۷۸)

زُوَان (۵۱ر) ..... zuwān (همانجا)

سُوَار (۵۷پ) ..... asuwār (همان: ۳۱۴)

۴۳. این واژه در دستنویس فرهنگ دیباج الأسماء (۷۲۹ق، شماره ۹۴۵۹/۸: ۱۷۲ر) نیز با سه نقطه نوشته شده‌است.

۴۴. اصل: پِستَرَاهَنگ. این واژه در دستنویس فرهنگ دیباج الأسماء (۷۲۹ق، شماره ۹۴۵۹/۸: ۱۶۲پ) نیز با سه نقطه نوشته شده‌است.

۴۵. اصل: پاسگونه؛ «پاسگونه» در فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (۱۳۸۰: ۶۷، پانویس) نیز آمده‌است.

۴۶. اصل: پاشگونه.

۴۷. در دستنویس کتاب مجمل الأقوال فی الحکم والأمثال (دمانسی سیواسی، ۱۳۸۱) نیز واژه «بسند» چندین بار با سه نقطه (گ ۲۳پ [دو بار]، ۴۰ر، ۶۹پ) نوشته شده‌است. این کتاب نیز پرداخته نویسنده‌ای از «قلمرو عثمانی» است (افشار، ۱۳۸۱: ۱۵). نیز نک. ضیاء الشهبان (قضای، ۱۳۹۴: ۶۷۶ [سه بار]، ۶۷۷).

۴۸. یای «پیش»، جزو نخست این واژه، یای مجهول است که در زبان نویسنده/رونویس گر کوتاه شده‌است.

۴۹. همه این واژه‌ها کاملاً برابر همتای پهلوی‌شان نیستند.

درین بیشه نسناس باشنده دیو  
یکی گفت تندی مکن با غریو  
باندام پر موی چون گوسپند  
ببالا یکایک چو سرو بلند  
دو سوی قفا چشم و دو سوی روی  
همه سرخ موی و همه سبز موی  
همی بچه زاینند چون یکدگر  
باندام هم ماده هم نیز نر  
کشند و خورند و نگردند سیر  
دو زیشان در آرنند پیلی بزیر

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۱۲۰) ۵۳

به گمان، یکی دیگر از منابع او مهذب الأسماء بوده است. در برخی از مدخل‌ها، حلیمی از برابرهایی فارسی این کتاب بهره برده است. برای نمونه: دوموی (۱۲ر؛ زنجی سجزی، ۱۳۶۴: ۱۷۰) و خوددار (۱۰۱پ؛ زنجی سجزی، ۱۳۶۴: ۳۳۲) به ترتیب در ترجمه «أَشْمَطُ»، «سِنَاد» و «مُفَنِّع».

در برخی از مدخل‌ها نیز افزون بر برابر فارسی، برابر ترکی نیز آورده شده است؛ برای نمونه:

بِیغُوشُ ..... بوم: جُغد یعنی بِیغُوشُ (۲۳پ)  
بُویُونُ ..... تَلِیلُ: گردن بُویُونُ (۲۶ر)  
دَدَه ..... جَدُّ: نیا دَدَه (۲۹ر)  
بِجَنقُ ..... سِلْفُ: شوی خواهرزن بِجَنقُ (۶۴ر)  
قُورَتُ ..... سَمَلَعُ: گرگ یعنی قُورَتُ (۶۴پ)  
سُود قِیمقی ..... طَئْرَةُ: سود قِیمقی (۷۱پ)

در ادامه، برخی ویژگی‌های زبانی این کتاب آورده می‌شود: ۵۴

### ۳. ۱. ویژگی‌های لغوی

آخیزگر (سازنده دیوار گلی، بنا) ..... رَهَّاصُ: آخیزگر (۵۸ر)

۵۳. اسدی در لغت فرس (۱۳۱۹: ۲۰۱) نیز درباره «نسناس» نوشته است، ولی توصیف او در گرشاسب‌نامه ریز تراست و ناهمسانی‌هایی با بخش نسناس در لغت فرس دارد.

۵۴. ارجاع به دستنویس مجلس بدون نشانه است و تنها هنگام بهره‌گیری از ضبط‌های دستنویس دانشگاه تهران، برای اشاره به ضبط دستنویس کتابخانه مجلس از سرواژه «م» بهره برده می‌شود. ارجاع به دستنویس دانشگاه تهران با سرواژه «ت» است.

آسا (خمیازه) ..... تُؤبَاءُ: ۵۵. آسا (۲۷پ)  
آشوب دریا (موج دریا) ..... آذِی: ۵۶. آشوب دریا (۴ر)  
آکنده آفرینش<sup>۵۷</sup> (گرداندام) .. کُنَّائِرُ: سخت آکنده آفرینش (۸۷پ)؛  
کُنَّزُ: آکنده آفرینش (۸۸ر)

آکنده تن (درشت اندام، تمام گوشت) ..... بُزْرُغُ: ۵۸. جوان آکنده تن<sup>۵۹</sup>  
(۲۰پ)؛ حَبْرَکِی: کوتاه آکنده تن (۳۵پ)

آزغ (شاخه بریده شده از درخت) ..... جُلْمَةُ: آزغ<sup>۶۰</sup> رز (۳۲ر)  
ارمان خوار (حسرت خورنده) ..... حَسْرَانُ: ارمان خوار<sup>۶۱</sup> (۳۷پ)  
بَخْنوه (آذرخش) ..... صَاعِقَةُ: بَخْنوه (۶۸ر)  
برآماسیده (برآمده) ..... عَجِیْنُ أَنْبِجَانُ: خمیر برآماسیده (۱۶پ)  
برتمیده (آماسیده، ورم کرده) ..... مُبْلِمَةُ: لب برتمیده (۹۰پ)  
بزرگوارین (بزرگوار، معظم) ..... جُمهُورُ: بزرگوارین چیزی و  
توده ریگ بلند<sup>۶۲</sup> (۳۲پ)

بشکول (چُست، چابک) ... جَلْدُ: مرد بشکول و خرما که صبر تواند  
کرد از آب<sup>۶۳</sup> (۳۱پ)

بشکوله (چُست، چابک) ..... جَلِیْدُ: مرد بشکوله<sup>۶۴</sup> (۳۲ر)  
بیوسنده (امیدوار) ..... آمِلُ: بیوسنده (۴ر)  
حاج کن (حج گزار) ..... حَاجُ: حاج کن (۳۳ر)  
خندیدنی<sup>۶۵</sup> خنده دار ..... أُضْحُوکَةُ: خندیدنی چیز (۱۲پ)  
خواب کن (ویژگی کسی که بسیار می خوابد) ..... نَوْمَةُ: مرد  
خواب کن و حامل الذکر (۱۱۳پ)

۵۵. اصل: تُؤبَاءُ.

۵۶. اصل: آذِیَه.

۵۷. این واژه در فرهنگ‌ها نیامده است.

۵۸. اصل: بُزْرُغُ.

۵۹. ضبط از دستنویس ت (ص ۴۱)؛ م: جوان آکنده.

۶۰. ت: ازغ (ص ۶۸).

۶۱. م: ازمان حذر؛ ت: ازماه خوار (ص ۸۰)؛ متن تصحیح قیاسی است.

۶۲. ضبط از دستنویس ت (ص ۶۹)؛ م: بلید.

۶۳. ضبط از دستنویس ت (ص ۶۸)؛ م: «نتواند کرد». در مدخل «جلد» لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱/۲: ۳۲۴) آمده است: «والجلاد من النخل: الغزیرة، وقيل هي التي لا تبالي بالجدب». ضبط فرهنگ‌های دیگر از جمله تکملة الأصفان، الأسمی فی الأسماء و تاج الأسماء نیز «تواند کرد» و «توان کرد» است (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۲؛ میدانی، ۱۳۷۷: ۵۱۶/۱؛ تاج الاسامی، ۱۳۶۷: ۹۳). بنابراین، ضبط «صبر تواند کرد» درست است. بر همین اساس، «خرمابنی که از آب نشکبید» هم در قانون الادب (تفلیسی، ۱۳۵۰: ۵۲۱/۱) نادرست و «خرمابنی که از آب بشکبید» درست است.

۶۴. ت: پشکول (ص ۶۸).

۶۵. این واژه در لغت‌نامه شاهی ندارد.

غنچه آب (حُبَاب)..... نُفَاخَة: کویله غنچه آب (۱۱۲ ر)  
فراخ‌ناک (وسیع)..... رَحْب: جای فراخ‌ناک و مرد فراخ (۵۵ ر)  
فراشا (لرز)..... قُشْعِرِيَّة: فراشا<sup>۷۸</sup> (۸۴ ر)  
کارگردان (ویژگی کسی که از کاری به کاری گردد، مجازاً)  
فریب‌کار<sup>۷۹</sup>..... حَوْل: مرد کارگردان و حیل‌گر<sup>۸۰</sup> (۴۲ ر)  
کنج‌پشت<sup>۸۱</sup> (گوژپشت)..... أَهْدَأ: کنج‌پشت<sup>۸۲</sup> (۱۷ پ)؛ حَنَوَاء:  
شتر کنج‌پشت<sup>۸۳</sup> (۴۱ ر)

کویله (حُبَاب) حَبَاب: کویله<sup>۸۴</sup> و بیشتر آب و غایت (۳۵ ر)؛ نُفَاخَة:  
کویله غنچه آب (۱۱۲ ر)

کوراب (سراب)..... آل: کوراب (۴ ر)  
لوش‌ناک (گِل‌آلود)..... عَيْنٌ حَمِيَّةٌ: چشمه لوش‌ناک (۴۰ پ)  
منش‌زده (زده‌شده از غذایی)..... آجِم: منش‌زده (۳ پ)  
نابرآورده (کوتاه، در این جا کم‌عمق) ... رَكِيَّة: چاه نابرآورده (۵۷ پ)  
نافرمان‌بردار (عاصی)..... أُبِي: نافرمان‌بردار (۳ پ)  
نفس‌دهنده<sup>۸۵</sup> (نفس‌برآرنده)..... آئِخ: به زور<sup>۸۶</sup> نفس‌دهنده (۴ ر)  
هوش‌زده (تشنه)..... أَهِيْم: شتر هوش‌زده (۱۸ ر)

### ۲. ۲. ۳. ویژگی‌های آوایی

#### ۱. ۲. ۳. برخی تلفظ‌های خاص

دُف ..... ۳۱ پ کاغد ..... ۱۲ پ، ۱۳ پ، ۷۱ ر  
بُرْهَنَه پَانِي ..... ۳۴ پ دیل<sup>۸۷</sup> ..... ۴۵ ر  
مُسْلِمَان ..... ۴۱ پ

#### ۲. ۲. ۳. دگرگشتگی

[p] ← [b]

بسندگی ← پسندگی ..... بُلْغَة: پسندگی<sup>۸۸</sup> عیش (۲۲ پ)

۷۷. اصل: قُشْعِرِيَّة.

۷۸. ت: فزاشا (ص ۲۳۵).

۷۹. بدین معنی در فرهنگ‌ها نیامده است.

۸۰. ضبط از دستنویس ت (ص ۹۰)؛ م: حَمِيَّتْ كَر (۴۲ ر).

۸۱. این واژه در فرهنگ‌ها نیامده است.

۸۲. اصل: کنج‌پشت.

۸۳. اصل: کویله.

۸۴. اصل: حَمِيَّة.

۸۵. این واژه در لغت‌نامه ثبت نشده است.

۸۶. اصل: بزور.

۸۷. تَلْفِظُ «دل» در پهلوی نیز «dil» است (MACKENZIE, 1986: 26).

۸۸. «پسندگی» در دستنویس فرهنگِ دِیاجِ الْأَسْمَاءِ (۷۲۹ ق، شماره ۸/۹۴۵۹،

۱۴۵ ر) نیز آمده است.

خوش‌شنو (زودباور) ..... أَذُن: مرد خوش‌شنو که هر چه بگویند  
فراباشنود<sup>۶۶</sup> (۹ پ)

دال‌خال (نهالِ نونشانده) ..... تَغَارِيْز: دال‌خال خرما (۲۵ پ)؛  
جَيْثِيْث: دال‌خال خرما (۲۹ الف)

درخشنده‌تن<sup>۶۷</sup> (مجازاً زیبا) ..... إِبْرِيْق: کوزه با کونه و تیغ‌آبدار و  
زن درخشنده‌تن (۵ ر)

درغاله (راه میان کوه) ..... شِعْب: درغاله و دودمان بزرگ (۶۶ ر)  
دست‌آهنگ<sup>۶۸</sup> (ابزاری برای کشت‌کاری) .. جَارَة: دست‌آهنگ (۲۸ ر)

دُغَسْر (طاس) ..... أَصْلَع: دُغَسْر<sup>۶۹</sup> (۱۲ پ)  
دنه‌گرفته (متکبر) ... أَثِيْر: دنه‌گرفته (۱۲ ر)؛ بَطِر: دنه‌گرفته (۲۱ پ)

دوموی (میان‌سال) ..... أَشْمَط: دوموی (۱۲ ر)  
دیوانه‌افعال (ویژگی کسی که کارهای نابخردانه انجام می‌دهد؛  
بی‌خرد) ..... أَهْوَج: دیوانه‌افعال و دراز که احمق و شتابان

باشد (۱۸ ر)

ژرفین (ژرف) ..... تَبِيْحٌ: ژرفین اندر میانه دریا (۲۶ ر)  
ساخته‌جای (جای آماده‌شده، پناه‌گاه، مأمن) ..... جَنَّةُ الْمَأْوِيْ:

بهشت ساخته‌جای (۳۲ پ)

سپرگر<sup>۷۲</sup> (سپرساز) ..... تَرَّاسٌ: سپرگر (۲۵ ر)  
سرایگاه<sup>۷۴</sup> محلّه ..... حَارَة: سرایگاه (۳۳ ر)

شگفتنی<sup>۷۵</sup> شگفت‌آور ..... أُعْجُوْبَة: شگفتنی (۳ ر)  
شمغند (کنده، بدبو) ..... أَلْحَن: شمغند<sup>۷۶</sup> (۱۵ ر)

شوخ‌دار (چرکین) ..... طَفِيس: جامه شوخ‌دار (۷۱ پ)

۶۶. ضبط از دستنویس ت (ص ۱۷)؛ م: فرا بشنوند.

۶۷. این واژه در فرهنگ‌ها مدخل نشده است.

۶۸. در لغت‌نامه به گونه «دستاہنگ» مدخل شده است.

۶۹. ت: دُغَسْر (ص ۲۴).

۷۰. اصل: تَبِيْحٌ.

۷۱. اصل: جای.

۷۲. این واژه در لغت‌نامه آمده است، ولی شاهدهی برای آن یاد نشده است.

۷۳. اصل: تَرَّاسٌ.

۷۴. این واژه در فرهنگ‌ها نیامده است.

۷۵. این واژه در فرهنگ‌ها نیامده است. گفتنی است که در مدخل «سخنگوی»

در لغت‌نامه، بیتی چنین از فرخی سیستانی آمده است:

سخن آموزد از هر که سخنگوی تر است

وین شگفتنی بود از کار جوانی بيمر

وزن مصراع دوم این بیت با واژه «شگفتنی» مخدوش است. ضبط

عبدالرسولی (فرخی، ۱۳۱۱: ۱۲۳) و دبیرسیاقی (همو، ۱۳۳۵: ۱۲۱) «شگفتنی»

است و همین درست است.

۷۶. ضبط از دست‌نویس ت (ص ۳۱)؛ م: شمغند.



گِران‌کاوین ← گِران‌کاون<sup>۹۲</sup>..... بَهِيْرَةُ مَهِيْرَةُ: زن نیکو و گِران‌کاون  
(۲۴ر)

### ۳. ۲. ۵. اضافه

[d] +

خواربار ← خواردبار ..... عَلِيْقَةُ: توبره و شتری که بفرستی تا ترا  
بدان خواردبار آرد (۷۶پ)

[h] +

ناخدا ← ناخداه ..... رُبَّان: ناخداه یعنی مهتر کشتیبان (۵۴ر)

### ۳. ۲. ۶. حذف

[d] -

بادروزه ← باروزه ..... بِدْلَةُ: جامهٔ باروزه (۲۰ر)؛ مِبْدَل: جامهٔ  
باروزه (۹۰پ)؛ مِفْضَل: جامهٔ باروزه (۹۹ر)

[b] -

بشتاب ← بشتا ..... حَيَّهْل: <sup>۹۳</sup>بشتا (۴۲ر)

### فرجام سخن

در این نوشته کوشش شد تا برخی ویژگی‌های زبانی فرهنگ‌های حلیمی باز نمایانده شود. از آن‌جا که سرچشمهٔ دو کتاب بحر الغرائب و شرح بحر الغرائب (قائمه) فرهنگ‌های فارسی به فارسی و برخی نوشته‌های منثور و منظوم این زبان است، ویژگی‌های لغوی متمایزکنندهٔ آن بسیار اندک است. با این حال، چنین می‌نماید که ویژگی‌های آوایی زبان نویسنده/ رونویس‌گر در این دو کتاب بازتاب یافته است و به برخی از این‌ها اشاره شد. اما در فرهنگ عربی به فارسی مصرحة الأسماء، افزون بر ویژگی‌های آوایی، برخی واژه‌های نایاب/ اندک‌یاب شناسایی شد که، به‌گمان، در زبان نویسنده/ رونویس‌گر رواج داشته است.

شمار دستنویس‌های فرهنگ‌هایی که به دست رونویس‌گران ترکی‌زبان نوشته شده است اندک نیست. از سویی، ترکی‌زبانان، خود نیز شماری فرهنگ‌های

بسندکننده ← پسندکننده ..... کافی: پسندکننده (۸۶پ)

نبیره ← نبیره ..... حَافِدٌ: نبیره پسرینه (ت: ص ۷۴)؛ حَافِدَةٌ: نبیرهٔ دخترینه (ت: ص ۷۴)

بزماورد ← بزماورد ..... زُمَاوَرْد: بزماورد (۶۰پ)؛ مَهْنَأ: پزم‌آورد<sup>۹۹</sup>  
(۱۰۶پ)

بنجشک ← پنجشک ..... عَصْفُوْر: پنجشک (۷۵ر)

بستر ← پستر ..... مِهَاد: پستر (۱۰۶ر)

بسترآهنگ ← پسترآهنگ ..... مِحْبَس: پسترآهنگ (۹۲ر)؛ مِقْرَم:  
بسترآهنگ (۱۰۰ر)

[j] ← [č]

چوالدوز ← چوالدوز ..... مِسَلَّة: چوالدوز (۹۵پ)

چامه ← چامه ..... بِدْلَةُ: جامهٔ باروزه<sup>۹۰</sup> (ت: ص ۴۰)

چهنده ← چهنده ..... نَفُوْر: آهوی چهنده (۱۱۲پ)

[z] ← [ž]

زنگ ← ژنگ ..... جُلْجُل: <sup>۹۱</sup>ژنگ دُف (۳۱پ)

زنگار ← ژنگار ..... زَنْجَار: ژنگار (۶۰پ)

[r] ← [l]

سوراخ ← سولاخ ..... سَوْهَقَّة: سولاخ کاریز (۶۵ر)

### ۳. ۲. ۳. اشباع

[a] ← [ā]

پلاس ← پالاس ..... مِسْح: پالاس (۹۵ر)

نیلوفر ← نیلوفار ..... حَوْذَان: نیلوفار (۴۱پ)

بزماورد ← بازماورد ..... مَيْسَر: بازماورد (۱۰۷ر)

[u] ← [ū]

مژه ← موژه ..... أَهْدَب: درازموژه (۱۷پ)

### ۳. ۲. ۴. تخفیف

[ā] ← [a]

کالا ← کاله ..... قُمَاش: کالهٔ خانه (۸۵پ)

شبانگاهی ← شبنگاهی ..... دَاتُ عِشَاء: در شبنگاهی (۵۱پ)

[ē] ← [e]

۹۲. تلفظ این واژه در پهلوی kābēn. با یای مجهول، است (MACKENZIE, 1986: 63).

۹۳. اصل: حَيَّهْل.

۸۹. در جایی نیز با «ب» نوشته شده است: تَرْجِسُ الْمَائِدَةِ بزماورد (۱۱۰ر).

۹۰. «ب» بی نقطه.

۹۱. اصل: جُلْجَل.

- شرح بحر الغرائب. دستنویس شماره ۱۱۲۰۳، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. مورخ ۹۷۲ق. کتابت مصحح‌الدین بن درویش عالی.
- بحر الغرائب یا نصاب حلیمی. دستنویس شماره ۱۱۲۹۱۲، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. بی.تا. بی.کا.
- مَصْرَحَةُ الْأَسْمَاءِ. دستنویس شماره ۳۸۴۳. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. بی.تا. بی.کا.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۲). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: دفتر سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ‌گونه‌ها. تهران: آرا.
- دمانیسی سیواسی، احمد بن احمد (۱۳۸۱). مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال. نسخه‌برگردان از روی نسخه مورخ ۶۹۳ق به خط مؤلف. به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار. تهران: طلایه.
- دیباج الأسماء. دستنویس شماره ۹۴۵۹/۸، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. مورخ ۷۲۹ق. کتابت محمد بن محمد موفق اردکانی.
- ذاکر الحسینی، محسن (۱۳۸۳). «حلیمی و فرهنگ‌هایش». نامه فرهنگستان، ضمیمه شماره ۱۸: ۱-۳۴.
- بَحْرُ الْغَرَائِبِ. در: سعادت، اسماعیل (سرپرست). دانشنامه زبان و ادب فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج ۱، ص ۷۱۵-۷۱۷.
- زنجی سجزی، محمود بن عمر بن محمود بن منصور (۱۳۶۴). مهذب الأسماء فی مرتب الحروف و الأشیاء. به تصحیح محمدحسین مصطفوی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سوراآبادی، محمد بن عتیق (۱۳۳۸). ترجمه و قطعه‌های قرآن، از روی نسخه موقوفه به تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری. به تصحیح یحیی مهدوی و مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- شمس فخری اصفهانی (۱۳۳۷). واژه‌نامه فارسی: بخش چهارم معیار جمالی. به تصحیح صادق کیا. تهران: دانشگاه تهران.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰) ← فرهنگ فارسی مدرسه

فارسی به ترکی و ترکی به فارسی تألیف کرده‌اند. در این دو دسته، ویژگی‌های زبانی‌ای به چشم می‌خورد که در دستنویس‌های نوشته شده یا رونویس شده به دست سخن‌وران دیگر بخش‌ها و گونه‌ها کم‌تر دیده می‌شود. چنین ویژگی‌هایی در این دسته از نوشته‌ها، تا آن‌جا که نگارنده آگاهی دارد، مغفول مانده است. در بررسی‌های تاریخی، بایسته است که با «کاهش دامنه بررسی» به این گونه نوشته‌ها، این گونه زبانی را بیش‌تر شناساند (Levi, 1992: 95). از همین راه، از «حقایق ناگفته خرد» تاریخ زبان فارسی پرده برداشته خواهد شد (ATEFMEHR & FARAHZAD, 2021: 56).

### منابع

- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب. به تصحیح علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد (۱۳۱۹). لغت فرس (باملحقاتی چند). به تصحیح عباس اقبال. تهران: چاپخانه مجلس.
- (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به تصحیح حبیب یغمائی. تهران: طهوری.
- افشار، ایرج (۱۳۸۱) ← دمانیسی سیواسی، ۱۳۸۱ (یادداشت)
- بنازاده اردبیلی، بابک (۱۳۹۳). «حلیمی». در: موسوی بجنوردی، محمدکاظم (زیر نظر). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۲۱، ص ۳۱۷-۳۱۸.
- تاج‌الاسمی (تهذیب الأسماء) (۱۳۶۷). به تصحیح علی اوسط ابراهیمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد (۱۳۵۰). قانون ادب. به تصحیح غلامرضا طاهر. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حلیمی، لطف‌الله. مَصْرَحَةُ الْأَسْمَاءِ. دستنویس شماره ۱۳۸۲۴، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. مورخ ۸۸۸ق. کتابت مولانا علی بن محمد بن مراد الادیقی.

- سپهسالار (مقدمه مصحح).  
 - فرخی سیستانی (۱۳۱۱). دیوان حکیم فرّخی سیستانی. به تصحیح علی عبدالرسولی. تهران: مجلس.  
 - \_\_\_\_\_ (۱۳۳۵). دیوان حکیم فرّخی سیستانی. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: شرکت نسبی حاج محمد اقبال و شرکاء.  
 - فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). شاهنامه. به تصحیح جلال خالقی مطلق. ج ۳. کالیفرنیا: مزدا با همکاری بنیاد میراث ایران.  
 - فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (۱۳۸۰). منسوب به قطران. به تصحیح علی اشرف صادقی. تهران: سخن.  
 - فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: دانشگاه تهران.  
 - قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۹۴). ضیاء الشهاب: شرح فارسی شهاب الاخبار قاضی قضاعی. به تصحیح جویا جهانبخش، حسن عاطفی و عباس بهنیا. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.  
 - کاتبی، علی (۱۳۹۳). «حلیمی». در: حداد عادل، غلامعلی (زیر نظر). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی. ج ۱۴، ص ۶۲-۶۳.  
 - کرمنی، علی بن محمد (۱۳۸۵). تکملة الأصفان: فرهنگ عربی-فارسی از قرن ششم هجری. به کوشش علی رواقی و با همکاری زلیخا عظیمی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.  
 - منزوی، علینقی (۱۳۳۷). فرهنگنامه‌های عربی به فارسی. تهران: دانشگاه تهران.  
 - میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد (۱۳۴۵). السّامی فی الأسماء. چاپ عکسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
 - میدانی، سعید بن احمد (۱۳۷۷). الأسمی فی الأسماء. به تصحیح جعفر علی امیدی نجف‌آبادی. تهران: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، أسوه.  
 - مینوی، مجتبی (۱۳۳۵). «یوبه (تحقیقی درباره یک لغت)». یغما، سال ۹، ش ۱۲ (پیاپی ۱۰۴): ۵۳۰-۵۳۷.  
 - نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۲۵۳۵ ش/۱۳۵۵ ش). صحاح الفرس: فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری. به تصحیح عبدالعلی طاعتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
 - نصیری شیراز، زهرا و نصرالله امامی و سجاد دهقان (۱۳۹۷). «بررسی آیات تازه و منسوب به رودکی سمرقندی در فرهنگ





## Table of Contents

### Editorial

Language, Literature, and National Self-Consciousness / Mahmoud OMIDSALAR ..... 3-6

### Articles

Investigating the Authority of a Number of Couplets in the Editing of the *Shāhnāme* / Djalal KHALEGI-MOTLAGH ..... 7-29

Seals of the *Al-mašīḫah*'s Manuscript / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI ..... 30-32

New Findings on the Life of 'Allāmeḥ 'Ali Akbar Dehkhodā / Maryam MIRSHAMSI ..... 33-55

Excerpts from Nizāmī-yi 'Arūzī's *Chahār Maqāleh* ("Four Treatises") in an Unknown Text on Judicial Astrology,  
Written by Tāj al-dīn-i Akram / Ali SAFARI AQ-QALEH ..... 56-63

A Look at Ḥalīmī's Dictionaries (A Study on Linguistic Features) / Milad BIGDELOU ..... 64-76

Another Edition of *Nuzhat al-'Āsighīn* Written by 'Alī ibn-i Mahmūd ibn al-Ḥāj / Ali KAMELI ..... 77-87

### Reviews and Critiques

*Sufis and Their Opponents in the Persianate World* / Majdoddin KEYVANI ..... 88-102

A Review of the Edition of *Zād al-Musāfir* / Masoud RASTIPOUR ..... 103-129

A Look at the "Fragmented Poems" in *Zulālī-yi Xānsārī's Collection of Poems* / Mortaza MOUSAVI ..... 130-135

Clearing up Some Misunderstandings about Seyfī-yi Niyšābūrī and Making a Few Comments on the Facsimile  
Edition of *Rasā'il al-'Uššāq wa Wasā'il al-Muštāq* / Homayoun SHEKARI ..... 136-140

### Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (11) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI ..... 141-144

A Report on an Academic Plagiarism (Incorporation of the *Mythological Infrastructures in Shāhnāme* of Ferdowsi into *Mythological Criticism, and Its Application in the Analysis of Ferdowsi's Shāhnāme* [Doctoral Dissertation, Ferdowsi University of Mashhad]) /  
Mahvash VAHEDDOUST ..... 145-156

### Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Çalabizādah 'Āšem Efendī / Nasrollah SALEHI ..... 157-159

### Introducing Codicologists and Textual Scholars (5)

From Leipzig to Babylon; A Review of the Life and Works of Franz Heinrich Weissbach, a Scholar in Cuneiform  
Studies / Soheil DELSHAD ..... 160-166

### On the Previous Articles

On a Piece of a Poem Ascribed to Kāfī-i Zafar-i Hamadānī / Behrouz IMANI ..... 167

Notes on the Letter [Ž] in the Persian Language / Reza HEYRARIZADI ..... 168-169